

بخش شانزدهم

از

ضد چریک

و

جنگ

رهائی بخش ملی

عالیترین شکل مبارزه مسلحانه : تصرف

قدرت بوسیله نیروهای مسلح ، یعنی :

حل مسئله از طریق جنگ است.

تجربه به ما نشان میدهد که مسائل و مشکلات

ملی ما بدون مبارزه مسلحانه حل شدنی نیست.

درک این تزیه پیشرفت ظفرنمون مبارزه و مقاومت

علیه اشغالگران کمک خواهد کرد.

از: سرهنگ چیا

ما بلم که : این گفته "خوزه مارتی" یکی از قهرمان استقلال کوبا را در سرغازین بخش تکرار نمایم ، که میگوید :
(کسیکه جنگ " اجتناب پذیری " را در یک کشور علم میکند ، جنایتکار است . اما کسیکه جنگ " اجتناب ناپذیری " را در یک کشور علم نمیکند هم جنایتکار است) .

پایگاههای چریکی " گریلایی "

منطقه نسبتاً امنی میباشد که : در آنجا ما میتوانیم سازمانهای رهبری خود را مستقر کنیم ، گروههای منظم را تعلیم دهیم ، کادرها را تربیت کنیم ، سلاح و مهمات را بسازیم ، مجروح شدگان را مورد مراقبت قرار دهیم و غیره .

توجه! ، کمپهای " انتظار " و یا قلاء " **خویشانداری** " مورد استفاده رهبری سازمانها و احزاب شرق کردستان شامل تعریف فوق نیستند .

نقطه حرکت بنایی یک نیروی عقبدار در مناطق تهیه و تدارک شده ، از تسخیر کوره راه پس از نابودی محور تاکتیکی ضد چریک ، آغاز میشود . یک پایگاه چریکی - (یعنی) : پایگاه مقاومت ، پایگاه حمایتی ... ثمره یک منطقه تهیه و تدارک سده خواهد بود که به پایگاه عملیاتی و (پایگاه) نیروی عقبدار - با خصیصه موقتی یا دائمی ، تبدیل میشود . سازمان دادن یک پایگاه چریکی " گریلایی " همچنین به معنای این خواهد بود که : رویدادهای " سیاسی و نظامی "

را ترجمه و بیان نمائیم. نیروهای چریکی "پارتیزانی" ، بر اثر تعداد و بخاطر تدارک و آمادگی خود ، باید قادر شوند که تهاجم های منطقه ای ضد چریک "نیروهای دشمن" را در هم بشکنند. تصمیم های الکی - و بدون حساب و کتاب و بدون توجه به واقعیت های مسلط و ملموس و به ایجاد پایگاهها ، بطور اجتناب ناپذیر به نابودی مدافعان آنها منتهی خواهد شد.

همانطوریکه قبلا یادآوری کرده ام ، نظریه گسترده گی کوهستانها و جنگلها کردستان و مداومت و تحرک جنگهای چریکی یا گریلایی ، همینکه برنامه ذله کردن و بستن آوردن ضد چریک ، قسمت عمده کارآیی خود را از دست داد ، عملیات او به پائین ترین سطح خود تنزل خواهد یافت. در این هنگام ، محور تاکتیکی اش که تا حد ضرورت های جاده صاف کنی ، و هربار متفرق تر و کم اهمیت تر ، تنزل خواهد یافت و تحت تاثیر تاکتیکهای نابود گرانه مکرر (چریکها یا گریلاها) ، به خاموشی خواهد گرائید. از میان رفتن برنامه ذله و بستن آوردن و تسخیر کردن کوره راهها ، مانعی در تعیین محل و موضع شدن واحد های "چریکی یا پارتیزانی" بوجود خواهد آورد ، و به آنها امکان خواهد داد یک مرکز ستاد ، و احتمالا پایگاههای موقت "چریکی یا گریلایی" را سازمان دهند.

از میان رفتن کلیه انواع عملیات جاده صاف کنی (دشمن) ، در نتیجه ، جنگ آوردن مناطق کوهستانی ، جنگلی و منا روستائی ، به چریکها امکان خواهد داد که پایگاههای ثابت چریکی یا گریلایی را بنا نهند. بنا بر تمام آنچه که گفته شد میتوان مشاهده کرد که : تبدیل یک منطقه "چریکی یا گریلایی" به یک پایگاه حمایتی ، مبتنی بر یک مرحله دشوار و طاقت فرسای ایجاد کردن است.

ابعاد جدیدی که پایگاههای جدید "پارتیزانی یا گریلایی" در اختیار جنبشهای "ملی و انقلابی" ما قرار خواهند داد ، امر مهمی است که بعضی ها امروزه بعلت " نا آگاهی - و عدم اطلاع از اصول و فنون ابتدائی جنگهای چریکی آنرا نادیده گرفته - ویا انکار میکنند.

این پایگاهها امکانات زیر را در اختیار ما میگذارند :

- 1 - آذوقه گیری و انبار کردن منامابع - واقلام و مواد کمیاب ، میتواند از طریق پرداخت سهم و شتراک و سهم مساعی ساکنان منطقه ، به تناسب دارائی شان جبران گردد .
- 2 - سبک شدن بار تدارکاتی " چریک یا گریلا " ، تحرک و مقاومت جسمانی او را افزایش خواهد داد .
- 3 - موجودیت پایگاه حمایتی اش ، به " چریک یا پیشمرگه " احساس امنیت را ارائه خواهد داد .
- 4 - این پایگاهها ، امکان پذیرائی و مذاقای مبارزان ، استقرار کارگاههایی برای تهیه اسلحه ، کفش ، ولباس را فراهم خواهند کرد .
- 5 - میتوان زندانیان را ، بمنظور تغییر دادن عقایدشان و جلب کردن نظر آنها بطرف خود ، ویا بمنظور مبادله آنها در صورت ضرورت ، در آنجا نگهداری کرد .
- 6 - این امکان وجود دارد که : در آنجا یک ایستگاه رادیو ، و نیز اکیپهای " گیرنده و فرستنده " برای ایجاد ارتباط ستاد فرماندهی (چریکها یا پارتیزانها) با پاسگاه پیشرفته و واحدهای منطقه ای ، مستقر ساخت .
- 7 - در اینحال ، مبارزان " ملی و انقلابی " خواهند توانست مبارزه مسلحانه را با شرکت مستقیم در سازماندهی سیاسی و نظامی (جبهه میهنی رهائی بخش ملی) حتی در صحنه عملیات دنبال کنند .
- 8 - میتوان از حیوانات بارکش و وسائل نقلیه دیگر ، بمنظور افزایش ظرفیت تغییر محل دادن آنها ، و حمل و نقل واحدها ، استفاده کرد .

بطور خلاصه : مستحکم کردن پایگاههای چریکی یا گریلایی ، متوقع امور زیر است :

- 1 - متفرق کردن همه نیروهای ضد چریک (نیروهای دشمن) .
- 3 - رشد واقعی واحدهای " چریکی یا پیشمرگه " ، با پیدایش نیروهای منطقه ای قادر به عقب زنی و نابود کردن تهاجمات نیروهای ضد چریک .
- 4 - تضعیف مداوم روحیه طبقات ارتجاعی - استبدادی حاکم و اختصاصا دستگاه سرکوب آنها .

تعیین محل و موضع شدن - و دفاع از پایگاه چریکی یا گریلابی:

((از همان زمانی که یک پایگاه استقرار یافته است ، ما باید در فکر لحظه ای باشیم که لازمست از آنجا بروم ، و هنگامیکه مشغول دفاع کردن از آنها " پایگاه " هستیم ، باید بفرمانده ای باشیم که باید آنجا را رها کنیم)) . از کتاب مقاومت پیروز خواهد شد - ترونک شین چینی .

همینکه محور تاکتیک ضد چریک (نیروهای دشمن) از کار افتاد ، جنبش بطور موقت مرکز فرماندهی خود را در اعماق منطقه تهیه و تدارک شده - با انتخاب منطقه کوهستانی یا جنگلی در آنجائیکه نشانه گیری زمینی یا دید هوایی و " بویژه " پیاده کردن مستقیم نیروهای دشمن عملاً غیرممکن است ، برپا خواهد کرد .
بخشهای روستائی که حمایتشان جلب شده است ، باید در دورترین فاصله ممکن از جاده ها و محورهای اصلی باشند .
ایراه اینگونه راهها ، در تهاجمات وسیع و گسترده دشمن ، ایجاد تسهیل خواهند کرد ، مابین پایگاه چریکی یا گریلابی و این راههای ارتباطی ، باید حد اقل **50 کیلومتر زمین** صعب العبور وجود داشته باشد که در آن هرگونه تهاجم ضد چریک (نیروهای دشمن) با واحدهای از چریکها ، یا پاسگاه پیشرفته ، و در صورت وجود یک پایگاه چریکی یا پارتیزانی ثابت در (منطقه آزاد شده یا نیمه آزاد شده) - با اولین تشکیلات منطقه ای ارتش خلقی (هئیزبه رگری) ، برخورد خواهد کرد .

بدینمعنا که : هر منطقه آزاد شده مربوط بیک پایگاه " چریکی یا پیشمرگه ایی " که برای عقب راندن : ذله کردن و بستن آوردن و نابود کردن ، و همچنین بعنوان پلی برای محاصره کردن ، بکار گرفته میشود.... احاطه خواهد کرد .

معمولاً این نکته را مورد قبول قرار خواهد که باید : **پایگاههای چریکی یا گریلابی** ، سیستم تدارکاتی منطقه ای ، از جا - لت مخفیانه بدرآید .

طبق قاعده کلی چنین عمل میکنند :

- 1 - دسته ها مختلف ، پاسگاههای پیشرفته " مقدم " و اولین تشکیلات منطقه ای نیروهای خلقی " هئیزبه رگری " با تکیه کردن متقابل بروی هم - واحدهای ضد چریک را در مناطق جنگ " چریکی یا پارتیزانی " و در مناطق تهیه و تدارک شده همجوار پایگاه عقب خواهند راند ، بستن خواهند آورد.... و تارومار خواهند کرد .
- 2 - تمام نقاط آسیب پذیر و بخشهای قابل نفوذ (برای نیروهای دشمن) در پیاده کردن نیرواز هوا ، بوسیله پاسگاههای پیشرفته (مقدم) مجهز به خمپاره اندازها - و مسلسل های سبک ضد هوایی ، مورد محافظت قرار خواهند گرفت .
در تمام دهکوره های باید پناگاههای خوب و قابل اتکاء ضد هوایی ساخته شود و در هر یک از مواضع ، کلیدی " حیاتی " برای دفاع مواضع نبرد از قبیل : سنگرها ، محورهای ارتباطی و سایر استحکامات بنا شود ، و در صورتیکه مسئله بر سر یک پایگاه حمایتی ثابت است ، این امر باید وسیع تر و کامل تر انجام گیرد .
- 3 - برای جلوگیری از غالگیری یا از عواقب شوم یک دفاع توأم با سماجت ، باید جنگ موضع گیری و جنگ جنبشی را با هم آشتی داد .

در همینحال ، لازمست که یک برنامه کلی عقب نشینی را تهیه و تنظیم کرد - که خطوط برجسته آن میتواند بشرح زیر باشد :

- 1 - قرارگاه کل ، بمدت پانزده روز ، به تعداد کلیه رزمندگان باید آذوقه انبار کنند .
- 2 - تعداد حیوانات بارکش و چهارپایان را دیگر ، مانند (قاطرها ، بزها و گوسفندها) با توجه به وجود امکان عقب نشینی ، باید به حد اقل ممکن - بویژه ، و قتیکه پایگاه ، یک پایگاه موقتی است - تقلیل یابد .
- 3 - برای مواد و آلات و ابزار سنگین - از قبیل : دستگاههای فرستنده ، تمام مواد و لوازم ، سلاح و مهمات سنگین " هوایی زمینی " و غیره - که به همراه خود حمل و نقل کردندشان غیرمقدور است ، باید مخفی گاههای متعددی در نظر گرفته شود .
- 4 - پس از شکست تدابیر دفاعی یک پایگاه " چریکی یا گریلابی " ، تمام مواد و لوازم ، و همچنین واحدهای ذخیره ای که بتازگی در سازمان چریکی ادغام شده اند ، باید تقسیم شده - و در تشکیلات عمده جذب گردند ، که متعاقباً دست

و پای خود را جمع کرده - و خواهند کوشید که از ورای مناطق جنگ چریکی یا مناطق تهیه و تدارک شده ، به یک پایگاه جدید از نولمحق شوند - و یا پس از خاتمه تهاجم (دشمن) ، به پایگاه اولیه خود بازگردند .
تداخل و اشتراک مساعی در امور (سیاسی و نظامی) ، که موفقیت هائی را بیار می آورد و در نتیجه استحکام پایگاه چریکی یا گریلابی ، در یکی از بخشهای (تجزیه شده) کردستان ، که در آنجا جبهه های مسلح متعدد وجود دارد ، به وسیله آن سازمان و یا حزب (ملی و انقلابی) : (البته در صورت وجود) ؟ ، در دست گرفته خواهد شد که بعنوان اولین سازمان ، این مرحله را پشت سرگذاشته باشد .
شاخص استراتژیکی این پایگاهها ، امکان بهم پیوستن عمومی در محدوده یک جبهه میهنی رهائی بخش ملی یا جبهه متحد را فراهم خواهد کرد .

با اینهمه : نظریه بی فکری شگف انگیزی که اکثر اوقات در زمینه این مسائل در رابطه مستقیم با ارزش استراتژیکی پایگاههای "چریکی یا گریلابی" بچشم میخورد ، برای ارائه بهترین آزمون انتقادی ، از گفتار کلی شخصیت هائی در اینباره یاد میکنیم که : در عینحال ، ((این گفتار)) با موقعیت جنبش رهائی بخش ملی ما قابل انطباق میباشد .

مائوتسه تونگ ، در مسائل "استراتژی جنگ چریکی" در چین چنین مینویسد : (در صورتیکه نتواند بر روی پایگاههای حمایتی که نیروی عقبدار مخصوص بآنها تشکیل میدهند تکیه کند ، نمیتواند برای مدت طولانی دوام بیاورد ، و نه گسترش یابد..... در عصر ما ، که عصر تکامل و مسائل ارتباطی و تکنیک پیشرفته است ، تصور اینکه یک تعداد از باندهای سرگردان عا صی ، خواهند توانست پیروزی را بچنگ بیاورند ، یک خیال خام بیش نیست . بهمین دلیل است که مبارزه ایدئولوژیکی علیه بینش باندهای سرگردان ، ضروریست . فقط تصفیه و محو کامل این بینش ، و جهت گیری بطرف ایجاد (پایگاههای حمایتی) است که امکانات را فراهم خواهند کرد که : یک جنگ چریکی دراز مدت ، با موفقیت دنبال شود .)

ژنرال وئونگین جیاب در جنگ خلقی ، ارتش خلقی ، درویتنام ، چنین مینویسد : (در پروسه یک جنگ رهائی بخش ملی ، خلق پایگاههایی برای یک مقاومت دراز مدت ، یک مسئله استراتژیکی مهم بشمار میرود و همچنین در سبزرگیست که حزب ما دست آورده است ممکن نیست که از مبارزه مسلحانه ، از سازماندهی نیروهای ارتش انقلابی حرف بزنیم بدون اینکه نیروی عقبدار رابه پیش کشیده باشیم . مسئله اخیر ، برای مبارزه آینده و برای سازماندهی نیروهای انقلابی ، اهمیت بزرگ و مفهوم استراتژیکی تعیین کننده دارد .)

وجه گوارا ، درباره "جنگ چریکی یک شیوه است" در بولیوی چنین مینویسد : (در محدوده عملیات بزرگ سیاسی - نظامی که بعنوان یک عنصر بشمار میرود ، واحد چریکی گسترش خواهد یافت و جای پای خود را محکم خواهد کرد بدینگونه : به تشکیل پایگاه حمایتی - یک عنصر اساسی برای اینکه جبهه بتواند توسعه یابد و گسترش پیدا کند - ادامه خواهد داد . این پایگاههای حمایتی ، نقاطی میباشد که دشمن - جز با پرداخت بهائی بسیار سنگین - نمیتواند در آنها راه یابد ، اینها برج و باروهای انقلاب ، پناگاهها ، خمرج گاههای و امحد چریکی - برای تاخت و تازهای همواره عمیق تر و شجاعانه تر - بشمار میروند .)

بنابراین ، تحقیق در وقایع ، برای پاسخ گوئی به نیز مندیهای جنبش رهائی بخش (ملی و انقلابی) ما ، دارای اهمیت فوق العاده میباشد ، زیرا : فقط ارزیابی مشخص از واقعیت ، میتواند مارا از ارتکاب خطاها و اشتباهات ناشی از اصول متکی به تجربه و تئوری ، برحذر دارد .

ادامه دارد .

Chia.rabii@hahoo.com

مالمو سوئید

